

مطالعه رابطه بین سرمایه اجتماعی و امید به آینده با بی تفاوتی جوانان (مورد مطالعه: شهر کرمانشاه)

علی مرادی^{۱*}، محسن صفاریان^۲

۱. دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلام آبادغرب، اسلام آباد غرب، ایران

۲. مربی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور مرکز کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۱۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۸/۱۴)

چکیده

پژوهش حاضر با هدف مطالعه رابطه بین سرمایه اجتماعی و امید به آینده با بی تفاوتی جوانان در شهر کرمانشاه انجام گرفته است. متناسب با پارادایم نظری غالب بر پژوهش، از روش همبستگی و ابزار پرسشنامه برای مطالعه بهره گرفته شد. جامعه آماری جوانان ۲۰ تا ۳۰ ساله شهر کرمانشاه هستند که در زمان پژوهش (سال ۱۳۹۷)، تعداد آن‌ها برابر با ۴۲۰۱۷ نفر بود. با توجه به حجم جامعه آماری، ۴۰۰ نفر به عنوان نمونه مورد مطالعه قرار گرفتند. آزمون‌های آماری همبستگی پیرسون، تی و تحلیل واریانس برای بررسی فرضیه‌ها و برای سنجش مدل پژوهش رگرسیون چندمتغیره و تحلیل مسیر به کار گرفته شد. یافته‌های نشان داد بین متغیرهای مستقلی مانند سرمایه اجتماعی، امید به آینده، میزان درآمد و نوع منزل مسکونی بر متغیر وابسته (بی تفاوتی اجتماعی) تأثیر معنادار دارند. یافته‌های حاصل از رگرسیون چندمتغیره نشان داد متغیرهای سرمایه اجتماعی و امید به آینده توانستند در مجموع، ۲۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین و پیش‌بینی کنند. می‌توان استنباط کرد با افزایش سرمایه اجتماعی و امید به آینده، میزان بی تفاوتی اجتماعی جوانان کاهش خواهد یافت. به عبارتی، دیگر آسیب‌های اجتماعی کاهش خواهد یافت و به‌طور طبیعی همبستگی افراد افزایش و بی تفاوتی کاهش خواهد یافت. بنابراین، دو متغیر یادشده می‌توانند تأثیر بازدارندگی بر بی تفاوتی اجتماعی داشته باشد.

کلیدواژگان

امید به آینده، بی تفاوتی اجتماعی، سرمایه اجتماعی.

مقدمه

گاهی ممکن است در برابر بسیاری از مسائل و آسیب‌های اجتماعی در زندگی روزمره مانند فقر، تکدی‌گری، کودکان کار خیابانی، نزاع‌های خیابانی، حوادث شهری و... بی‌تفاوت باشیم. بسیاری از این نابهنجاری‌ها مانند نابهنجاری‌های صوتی و حسی از نوع زیملی است که شهرنشینان به حضور آن‌ها عادت کرده‌اند. برخی‌ها بی‌تفاوتی نسبت به این نابهنجاری‌ها را نمی‌پسندند و انتظار دارند فرد در مواجهه با این دست از مسائل یا حوادث از خود واکنشی نشان دهد، اما اساساً در فرایند توسعه عقلانیت در روابط نهادی و سازمانی، شهر به مثابه مجموعه‌ای از نهادهای خدماتی تعریف شده است که از طریق آن‌ها به این مسائل پاسخ داده شود. به این دلیل، از شهروندان مالیات و عوارض و سایر منابع اخذ می‌شود که برای رفع معضلات اجتماعی به کار گرفته شود. در چنین وضعیتی بی‌تفاوتی در نهایت پاسخی عقلانی و منطقی به این دست شرایط شمرده می‌شود و خود ناشی از اعتماد به نهادهای مدنی است. در عین حال، ممکن است که این نوع رفتار به ظاهر عقلانی، منطقی و سرد، وجه اخلاقی و انسانی اعضای جامعه را کم‌رنگ و در شرایطی نابود کند.

در برخی تحقیقات در ایران، در تعریف جامعه‌شناختی مفهوم «بی‌تفاوتی»، از مفاهیم مقابل آن مانند مشارکت و درگیری استفاده شده است (مسعودنیا، ۱۳۸۰، ص ۱۶۷). از این رو، بی‌تفاوتی با عزلت‌گزیدن و فقدان مشارکت در حد انتظار، هم‌معنا قرار گرفته است. در برخی تحقیقات دیگر، نوع دوستی در مقابل بی‌تفاوتی قرار داده شده است (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۲۹). در برخی نوشته‌ها، بی‌تفاوتی اجتماعی مترادف با عزلت‌گزینی، بی‌علاقگی و مشارکت نکردن افراد در اشکال متعارف اجتماعی معنا شده و در تحلیل خود آن را مقابل علاقه اجتماعی، درگیری در فعالیت‌های اجتماعی، روان‌شناختی و سیاسی قرار داده شده است (عنبری و غلامیان، ۱۳۹۵، ص ۱۶۱).

بی‌تفاوتی اجتماعی با یکی دیگر از مفاهیم مورد توجه جامعه‌شناسان در سال‌های اخیر، یعنی سرمایه اجتماعی، ارتباطی تنگاتنگ دارد. سرمایه اجتماعی هر جامعه ناشی از وضعیت فرهنگی و اجتماعی موجود در آن جامعه است و یکی از پارامترهای مهم بررسی وضعیت جامعه در زمینه

چگونگی ارتباطات اجتماعی، از جمله میزان تعهد انسان‌ها به یکدیگر، یا در نقطه مقابل، میزان بی تفاوتی آن‌ها به یکدیگر است. به لحاظ نظری، سرمایه اجتماعی بیشتر روی شبکه روابط و اعتماد و مشارکت در اجتماع و همکاری‌های گروهی در قالب انجمن‌ها و تشکیلات مدنی تأکید می‌کند. سرمایه اجتماعی دستاورد شبکه‌های اجتماعی افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها در برقراری ارتباطات سازنده و مثبت اجتماعی است. وجود این شبکه‌های اغلب غیررسمی به تجهیز و توانمندی سطح گسترده‌ای از تماس‌های اجتماعی - شخصی برای عملکرد بهتر زندگی سیاسی - اجتماعی منجر می‌شود (کلمن، ۱۳۷۷، ص ۴۴)، و از این رو، می‌توان با مطالعه آن به کیفیت و چگونگی ارتباطات اجتماعی در جامعه پی برد (قاضی‌زاده و کیانپور، ۱۳۹۳، ص ۷۸-۵۹).

در جامعه‌ای که سرمایه اجتماعی در سطح پایینی است، دلسردی و بی‌اعتنایی هر یک از اعضا یا گروه‌های جامعه، بر اثر بیگانگی اجتماعی، احساس نبود اثربخشی، نارضایتی و بی‌اعتمادی نسبت به دیگران باعث ایجاد شکنندگی در ساختار اجتماعی خواهد شد. همین عوامل رفته‌رفته، اعضای شبکه اجتماعی را نسبت به همه فرایندهای اجتماعی بدبین کرده و دچار بیماری ناامیدی نسبت به آینده و انزوای اجتماعی به دور از هرگونه ارتباط اجتماعی خواهد کرد؛ بنابراین، بی‌توجهی نسبت به ارتباطات فردی یا گروهی عناصر اجتماعی، عاملی فروپاشی هر ساختار یا محیطی خواهد بود که در آن انسان به‌عنوان یک عامل اثرگذار و دارای قدرت تصمیم‌گیری، به حساب آورده نشود (صفاریان، ۱۳۹۷، ص ۱۵).

از طرفی، مسئله بی تفاوتی جوانان می‌تواند ناشی از ناامیدی آن‌ها به آینده باشد؛ زیرا طیف زیادی از جوانان تصویری تهدیدآمیز و ترسناک نسبت به آینده دارند. از طرفی، جوان وقتی خود را بین حرکت نقش‌های ساختی در گذار از جامعه سنتی به مدرن می‌بیند، دچار تنش ساختی شده و همین مسئله آن‌ها را برای روبه‌رو شدن با آینده دچار ناامیدی و بی تفاوتی می‌کند (سروش و عباسی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۷).

مشکل جوانان ایران با ظهور نسل سوم آغاز شد؛ نسلی که از ۱۳۶۰ به بعد متولد شدند و مسائل متعددی اعم از ماهواره، اینترنت، ویدئو و امروز در مقیاس گسترده‌تر شبکه‌ها و فضاها، مجازی توانستند به مسائل جوانان دامن بزنند و شرایطی شبیه آنچه کوهن آن را هراس اخلاقی در

جامعه نام می‌نهد، پیش آورند. همچنین، مسئله بی تفاوتی به ویژه بی تفاوتی جوانان، مسئله‌ای است که به سرمایه اجتماعی جامعه صدمه وارد می‌کند؛ زیرا قشر جوان، سرمایه‌های آینده و آینده‌سازان جامعه هستند در صورت بی تفاوتی آن‌ها نسبت به مسائل اجتماعی، مسائل فرهنگی و خانواده، کنش‌های سیاسی، تعیین سرنوشت خود و همچنین، حقوق خود و هموعانشان ممکن است جامعه دچار رخوت و سستی شود، بی‌نظمی‌های فراوان در آن رخ دهد و در نهایت، بقای جامعه مورد تهدید واقع شود. ولی اگر جوانان نسبت به کوچک‌ترین بی‌نظمی در جامعه واکنش نشان دهند، مسئولیت‌پذیر باشند، مشارکت فعالی در امور اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... داشته باشند، به فکر هموعان خود در جامعه باشند و مسئله آن‌ها را مسئله خود تلقی کنند، جامعه پویایی خود را حفظ خواهد کرد و روزبه‌روز به رشد و توسعه دست خواهد یافت. طبق نظریه پنجره شکسته، بی تفاوتی افراد در جامعه باعث بروز مسائل عمده شهری می‌شود؛ بنابراین، برای حل مسائل زندگی شهری باید افراد درگیری فعالی در اجتماع داشته باشند و نسبت به اتفاقات اطراف خود بی تفاوت نباشند.

از طرفی، اگر از موضع جوانان به بی تفاوتی اجتماعی نگاه کنیم، درمی‌یابیم نهادها و سیاست‌هایی که به تحولات جوانی در حوزه‌های اشتغال، آموزش، رفاه، تحصیل، مسکن و خانواده ساختار می‌دهند، خود دچار تحولات ساختی شده‌اند و این آثار، آینده را برای جوانان پرخطر، نامطمئن و احتمال طرد و بی تفاوتی اجتماعی را بیشتر می‌کند (سروش و عباسی، ۱۳۸۹، ص ۱۷۷). با توجه به بررسی‌های رایانه‌ای انجام گرفته و جست‌وجوهای کتابخانه‌ای مطالعات درباره بی تفاوتی در ایران کم است. از آنجا که این پژوهش در نظر دارد خاستگاه‌های بی تفاوتی را با تمرکز بر سرمایه اجتماعی و امید به آینده در شهر کرمانشاه بررسی کرده، و راه‌های کاهش آن را مشخص کند و همچنین، نظریه‌های بی تفاوتی را منطبق بر جامعه ایرانی بررسی کند، به نظر می‌رسد در این مطالعه دو نکته که تا حدی بیان‌کننده نوآوری آن است، وجود داشته باشد. اول اینکه متغیر وابسته (بی تفاوتی) به صورت کامل و جامع سنجش می‌شود که در مطالعات قبلی به صورت خیلی ساده‌تر و صرفاً یک بعد آن بررسی شده است؛ دوم اینکه این مطالعه می‌تواند به تدوین و ساخت ابزارهای جامع برای سنجش متغیر وابسته منجر شود.

بنابراین، پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که سرمایه اجتماعی و امید به آینده چه تأثیری بر بی تفاوتی جوانان در شهر کرمانشاه دارد؟ هدف کلی این پژوهش مطالعه رابطه بین سرمایه اجتماعی و امید به آینده با بی تفاوتی با تأکید بر شهر کرمانشاه است. اهداف ویژه به شرح زیر است:

- تعیین رابطه بین میزان امید به آینده و بی تفاوتی اجتماعی شهروندان
- تعیین رابطه بین میزان سرمایه اجتماعی و بی تفاوتی اجتماعی شهروندان
- تعیین تأثیر متغیرهای جمعیتی (میزان تحصیلات، محل سکونت، محل تولد، وضعیت تأهل، وضعیت شغلی، میزان درآمد) بر بی تفاوتی اجتماعی شهروندان

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

کاهش یا تضعیف روابط در اشکال سرمایه اجتماعی و انزوای اجتماعی، زمینه مساعدی برای تقویت یأس اجتماعی، احساس عجز و تنهایی را فراهم می‌کند. با توسعه سطح روابط و سرمایه اجتماعی، تحمل اجتماعی افزایش می‌یابد و با کاهش سطح روابط و سرمایه اجتماعی، تحمل اجتماعی کاهش می‌یابد (چلبی، ۱۳۸۳، ص ۲۰). عده‌ای، حمایت اجتماعی واقعی را که اعضای شبکه با یکدیگر به اشتراک می‌گذارند، در نظر می‌گیرند (هورتولانوس و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۵۷). هرچند تبادل حمایت اجتماعی آثار بسیار زیادی بر بهزیستی و سلامت می‌گذارد، به نظر می‌رسد معنای روابط اجتماعی، فراتر از این کارکرد ویژه باشد و به‌طور کلی بیشتر در شیوه‌ی نگرش و ارزش‌گذاری روابط نهفته است (Sarason, 1988, p.89).

دیدگاه لرنر^۱ و بی تفاوتی: در نظر لیپست و لرنر بی تفاوتی اجتماعی در نقطه مقابل مشارکت اجتماعی قرار می‌گیرد و متغیرهای اجتماعی در آن اهمیت فراوانی دارند (Lipset, 1963, p.8). لرنر متغیرهایی مانند سواد، شهرنشینی، استفاده از رسانه و تشکلهای جمعی را برای تبیین مشارکت

به کار می‌گیرد (مسعودنیا، ۱۳۸۰، ص ۱۶۳). او معتقد است با افزایش شهرنشینی و گسترش آموزش عالی، زمینه کاهش بی تفاوتی اجتماعی در جامعه افزایش می‌یابد. لرنر معتقد است نظام اقتصادی توسعه یافته در میزان مشارکت اجتماعی - سیاسی تأثیر بسیاری می‌گذارد. در جوامعی که فاقد نظام اقتصادی پیشرفته‌ای هستند، استقرار نظام سیاسی دموکراتیک با میزان مشارکت اجتماعی - سیاسی بالا، دشوار، حتی محال به نظر می‌رسد. توسعه اجتماعی همراه با ایجاد راهکارهای مشارکت اجتماعی در جامعه، باعث افزایش روحیه مشارکت‌جویانه در افراد و رفع تضادهای اجتماعی از راه‌های مسالمت‌آمیز می‌شود (محسنی تبریزی، ۱۳۸۱، ص ۱۰۲).

دیدگاه لیپست و بی تفاوتی: لیپست معتقد است جامعه‌ای که در آن بخش بزرگی از جمعیت بی تفاوت، بی‌علاقه و ناآگاه باشد، جایی است که در آن، رضایت را نمی‌توان یافت (تبریزی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۸). تقدم منافع و فعالیت‌های شخصی، تضعیف منافع و حوزه‌های سیاسی - اجتماعی و در نهایت، شکل‌گیری جامعه ذره‌ای شده را در پی دارد. در چنین وضعیتی، فرد در یک واحد اجتماعی مهم سیاسی رها می‌شود. مشارکت‌نداشتن در سیاست و بی تفاوتی انسان در وضعیت فردگرایی، به تخریب اجماع نظر منجر می‌شود (Lipset, 1963, p.8). لیپست معتقد است هرگاه بخش وسیعی از مردم دچار نارضایتی ناشی از ناکامی سیاسی در رفع مسائل جدید شوند، جامعه با مسائلی نظیر بی تفاوتی، بی‌علاقگی و ناآگاهی روبه‌رو خواهد شد (Lipset, 1963, p.226).

دیدگاه ویلنسکی^۱ و بی تفاوتی: ویلنسکی در نظریه خود بر این اعتقاد است که بی تفاوتی ممکن است تابعی از فرایند سالخوردگی باشد. احساس بی قدرتی، نبود اثربخشی یا ناکارایی، مبنای نظریه‌های مبتنی بر جامعه‌پذیری نداشتن «اثربخشی» را تشکیل می‌دهند. در نظریه‌هایی از این دست، جریان اجتماعی شدن و تجارب تدریجی در جامعه، از جمله عوامل تأثیرگذاری قلمداد می‌شوند که موجب سرخوردگی و دل‌مردگی اجتماعی افراد هستند. هر قدر افراد جامعه سطح بالایی از احساس نداشتن اثربخشی در فرایندهای اجتماعی - سیاسی را تجربه کنند، احتمال

1. Wilnisky

بیشتری برای بی تفاوتی اجتماعی از مسائل اجتماعی وجود دارد (قاضی زاده و کیانپور، ۱۳۹۳، ص ۶۷).

دیدگاه هربرت گنز و بی تفاوتی: هربرت گنز^۱ بی تفاوتی را به عنوان مفهوم اخلاقی تعریف می کند که درون خود حاوی واقعیتی است که کمی علاقه، یا نبود آن را به عنوان پدیده ای مهم جامعه شناختی که در بخشی از زندگی افراد وجود دارد، نشان می دهد. گرچه گنز رویکرد چند دیدگاهی را به خبررسانی رویکردی بی عیب و نقص نمی داند، اما اعتقاد دارد برای مطبوعاتی مبتنی بر بنیان سرمایه داری در کشوری ناهمگون که فاقد مطبوعات حزبی است، راه حل عملی ایجاد فضایی متکثرتر در رسانه ها برای ارائه و تفاسیر خبر و رساندن صدا، دیدگاه ها و خواسته های طبقات مختلف توسط خبرنگارانی است که کار تحقیقاتی و مبتنی بر جست و جو انجام داده اند. او این مهم را راه حلی برای ارتقای دموکراسی شهروندی می داند. مثلاً به نظر گنز بی تفاوتی سیاه پوستان ایالت های جنوبی به مسائلی از قبیل انتخابات که در سال ۲۰۰۰ در انتخابات فلوریدا نمود بیرونی یافت؛ رابطه مستقیم با بازتابانیده نشدن دیدگاه ها و ارزش های این طبقه توسط نهادهای دموکراتیک و خبری طی سالیان سال دارد (گنز، ۱۳۸۵، ص ۴۰۳).

کوهن و بی تفاوتی اخلاقی: تعریف کوهن از وحشت اخلاقی به واکنش جامعه نسبت به یک تصور، اغلب اغراق آمیز، تهدید به نظم اجتماعی فعلی خود و واکنش مربوط به آن که موجب یک وضعیت، فرد یا گروهی از افراد می شود (به عنوان یک تهدید برای ارزش ها و منافع اجتماعی) ظاهر می شود (Cohen, 1972, p.79). ادراک غالب از پناهندگان به عنوان غیرقانونی، دروغگو و صف صفر، با مفاهیم کوهن «شیاطین عامیانه» سازگار است. افراد به عنوان حوادثی که فراتر از قلمرو عادی جامعه هستند، تعریف شدند و برای هدف گیری مجازات ها ایجاد شده اند. این هویت انحرافی تأکید می شود و از طریق برجسب های مختلف استفاده شده در گفتمان عمومی که در آن پناهندگان به عنوان متجاوز، به جای قربانیان و یکی از گروه های «در معرض خطر» در جهان امروز هستند (Bogen & Marlowe, 2015, p.12).

1. Herbert Gans

گود و بن یوهودا و بی حسی اخلاقی: گود و بن یوهودا پنج معیار برای توصیف یک بی حسی اخلاقی را پیشنهاد کردند: نگرانی؛ خصومت؛ اجماع، وفاق؛ عدم تساوی و نوسان. نگرانی توسط سیاستمداران و رسانه‌ها ایجاد و پخش می‌شود؛ خصومت در میان مردم نسبت به پناهندگان ظاهر می‌شود و یک توافق عمومی به وجود می‌آید؛ وحشت غیرمستقیم است زیرا براساس اغراق است سوء تفاهم از سرپرست، سوء تفاهم درباره شرایطی که پناهندگان فرار می‌کنند؛ و در نهایت، بی‌ثبات است، زیرا موضوع پناهندگان در اخبار روزانه و بحث‌های سیاسی بسته به انتخابات و سایر آرای سیاسی مشخص می‌شود (Goode & Ben-Yehuda, 1994, pp.149-171).

اولریش بک^۱: اولریش بک، نظریه پرداز جامعه مخاطره آمیز، ویژگی‌های جامعه مدرن را برمی‌شمرد و با اشاره به توسعه و گستردگی سریع در همه جوانب جامعه مدرن، معتقد است این حجم تغییر، نتایج غیرمنتظره‌ای را به بار خواهد آورد و بحران‌های در سطوح علمی، در ساختار سازمانی جامعه، روابط بین فردی افراد جامعه، در حوزه محیط زیست و... خواهد داشت (شیخ، ۱۳۹۷، ص ۶۳).

بوردیو^۲: بوردیو با نقد دیدگاه‌های تقلیل‌گرایانه، کنش انسان را با ترکیبی از عوامل سطوح خرد و کلان تبیین می‌کند. او در سطح کلان به ساختار یا حوزه‌های تعاملی اشاره می‌کند؛ اینکه هر فرد برحسب میزان سرمایه کلی و سرمایه‌های فرهنگی مانند تحصیلات، مهارت‌های فکری و اعتماد اجتماعی، در آن پایگاهی پیدا می‌کند و کنار افراد مشابه از لحاظ سرمایه کلی قرار می‌گیرد. افراد واجد پایگاه مشابه و تعاملات مشترک، از عادت‌واره و الگوی کنشی به نسبت همسو و هماهنگی برخوردارند (عبداللهی، ۱۳۸۳، ص ۶۹).

دیدگاه کارل مارکس: توجه مارکس به بی تفاوتی به مثابه حالتی از بی‌علاقگی و بدون هیجانی و شور برای عمل را، می‌توان در ایده (از خودبیگانگی) او دید. فکر موجود در این اصطلاح این است که در بعضی اوضاع و احوال، یا در برخی جوامع، انسان در شرایطی است که نسبت به

1. Ulrich Bech
2. Bordiou

خودش بیگانه می‌شود، یعنی وجود خودش را در فعالیت و آثار خود باز نمی‌شناسد. در نظام سرمایه‌داری، آدمیان با خود بیگانه‌اند، خویش را در جمع از دست داده‌اند و ریشه همه با خود بیگانگی‌ها، با خودبیگانگی اقتصادی است (آرون، ۱۳۸۲، ص ۱۹۶).

دیدگاه آیزنشتاد: آیزنشتاد بر این باور است که فرهنگ جوانان نقشی مهم در آماده‌سازی و جامعه‌پذیری جوانان برای دنیای فراتر از خانواده بازی می‌کند؛ این فرهنگ به جوانان کمک می‌کند که با روی آوردن و تدارک مجموعه‌ای معیارهای گزینشی بگذرند. این فرهنگ با امیددادن به جوانان، مجموعه‌ای از ایستارها و هنجارهای رفتاری ایجاد می‌کند که در مقابل بی‌تفاوتی و بی‌قدرتی در جامعه مقابله کنند (سروش و عباسی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۹).

نظریه امید اشنایدر: اساس نظریه امید، بر مبنای اهمیت و ضرورت اهداف بنا شده است. در واقع اهداف، یکی از ابعاد کلیدی نظریه امید است که می‌تواند کوتاه‌مدت یا بلندمدت باشند و از نظر اهمیت، طبقه‌بندی می‌شوند. تقریباً همه آنچه یک فرد انجام می‌دهد، به سمت دستیابی به یک هدف است. هدف، شامل هر چیزی است که خود فرد مایل است به آن دست یابد و آن را انجام دهد یا آن را تجربه، یا ایجاد کند. اهداف، نیروی محرک هر رفتاری هستند و می‌توانند در دامنه یک حرکت ساده برای بیدار شدن به هنگام شنیدن زنگ ساعت تا تعمیر بخشی از یک هواپیما و گاهی به پیچیدگی کسب یک مدرک دانشگاهی داشته باشند. با توجه به وجود این پیوند بین دستیابی به هدف و عاطفه مثبت، ممکن است چنین به نظر می‌رسد که بهترین راهکار، تعیین اهداف آسان و قابل دستیابی است، اما افراد دارای امید بالا، معمولاً به دنبال اهدافی هستند که دارای میزانی از عدم قطعیت یا سطح دشواری متوسط باشند، یعنی اهدافی که اندکی دشوارتر از اهداف دست‌یافته قبلی باشند. اهداف، باید ارزش کافی داشته باشند تا تفکر هوشیار فرد را اشغال کنند. اهداف امیدوارانه، مقداری از عدم قطعیت را دارند و اهدافی که احتمال دستیابی به آنها صددرد باشد، مستلزم امید نیستند. همچنین، اهدافی که احتمال دستیابی به آنها نیز، صفر باشد، مستلزم امید نیستند (علاالدینی، ۱۳۸۷، ص ۳۳). بنابراین، طبق این نظریه، بهترین اهداف، اهدافی هستند که انگیزه فرد را افزایش دهند و پایدار باشند، یعنی اهدافی که به صورت دقیق و عینی، مشخص می‌شوند، میزان دشواری متوسط دارند و در آینده‌ای نزدیک، به وقوع می‌پیوندند.

قاضی زاده و کیانپور (۱۳۹۳) در بررسی میزان بی تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان (مورد مطالعه: دانشگاه اصفهان) نشان دادند میزان بی تفاوتی اجتماعی بر حسب متغیرهای جنسیت و وضعیت تأمل به شکل معناداری متفاوت است (قاضی زاده و کیانپور، ۱۳۹۳). نبوی و امیرشیرزاد (۱۳۹۳) در بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و بی تفاوتی اجتماعی (مورد پژوهش: شهروندان دزفولی) نشان دادند که همه ابعاد سرمایه اجتماعی - اعتماد (بین فردی)، اعتماد و پیوندهای غیررسمی (اجتماعی - محلی)، پیوندهای عمومی (تعمیم یافته) - با بی تفاوتی اجتماعی رابطه معنادار دارند (نبوی و امیرشیرزاد، ۱۳۹۳).

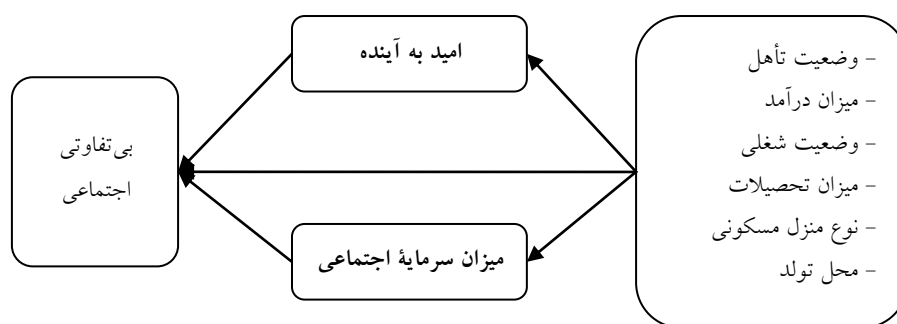
مجیدی (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مرتبط با بی تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه کردستان و دانشگاه پیام نور مرکز سنندج» در بین دانشجویان پیام نور کردستان نشان دادند بین متغیرهای بیگانگی اجتماعی و میزان بی تفاوتی اجتماعی رابطه معنادار و مستقیم و بین متغیرهای اثربخشی، اعتماد اجتماعی و رضایت اجتماعی و میزان بی تفاوتی اجتماعی دانشجویان رابطه معنادار و معکوسی وجود دارد (مجیدی، ۱۳۹۰). محسنی تبریزی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی که با عنوان «پژوهشی درباره بی تفاوتی اجتماعی در ایران» انجام دادند، میان متغیرهای قومیت، شغل، تحصیلات از صفات زمینه‌ای و بین همه متغیرهای مستقل اصلی، یعنی، بی‌هنجاری، اعتماد اجتماعی، اثربخشی اجتماعی، رضایت اجتماعی، محرومیت نسبی، فردگرایی، تحلیل هزینه - پاداش و التزام مدنی با بی تفاوتی اجتماعی رابطه معناداری به دست آوردند (محسنی تبریزی و همکاران، ۱۳۹۰).

زارعی و نند (۱۳۸۶) در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی میزان بی تفاوتی اجتماعی و عوامل اجتماعی مرتبط با آن؛ مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه حکیم سبزواری» به این نتایج دست یافت که بین آگاهی، احساس و رفتار افراد نسبت به مسائل اجتماعی نوعی انفصال و جدایی وجود دارد (زارعی و نند، ۱۳۸۶). نادری عباس آبادی در پژوهشی با عنوان «سنجش میزان بی تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان کارشناسی دانشگاه تبریز» نشان داد رابطه معنادار بین بیگانگی، اثربخشی، اعتماد و رضایت اجتماعی و بی تفاوتی اجتماعی وجود دارد (نادری عباس آبادی، ۱۳۸۳).

جسیکا و لیندسی (۲۰۱۸) در مطالعه انزوای اجتماعی و تنهایی در ناحیه شهری میناپالیس در آمریکا نشان دادند انزوای اجتماعی در میان بزرگسالان، با پیامدهای گسترده و خطر مرگ و میر به همراه است. کسانی که وضعیت اجتماعی - اقتصادی بالاتری دارند، کسانی که تنها زندگی نمی‌کردند و آنهایی که به مرکز شهر نزدیک‌تر بودند، کمتری احساس بی تفاوتی می‌کنند (Jessica & Lindsay).

رابین و همکاران (۲۰۱۷) در مطالعه پیش‌بینی تفاوت‌های فردی در سیستم اجتماعی، نشان دادند گرایش کلی مردم به تفسیر گروه‌های اجتماعی به‌عنوان بخشی از خود آن‌ها، شناسایی آن‌ها را با شهر خود پیش‌بینی می‌کند که خود به توضیح ارزیابی مثبت خود از شهر کمک می‌کند. این نتایج از دیدگاه روان‌شناسی محیطی و روان‌شناسی اجتماعی مورد بحث قرار گرفته‌اند (Rubin et al., 2017).

رابینسون و همکاران (۲۰۱۵) مطالعه‌ای با عنوان «همدلی برای گروه در برابر بی تفاوتی نسبت به قربانی: اثر دل‌بستگی اجتناب‌ناپذیر به داوری اخلاقی» انجام دادند. نتایج نشان داد افراد متعهد، قضاوت‌های سودآورانه را برای دلایل طرفداران بیشتری انجام می‌دهند و از نیاز به تعلق و تمرکز بر رفاه گروه به‌طور کلی عمل می‌کنند؛ افراد متخلف متعهد می‌توانند قضاوت‌های سودمندانه‌ای را اتخاذ کنند؛ زیرا آن‌ها برای قربانی همدردی ندارند که ناشی از ناراحتی در مراقبت از دیگران است (Robinson, 2015).



شکل ۱. مدل تجربی پژوهش

- بر مبنای مدل تجربی پژوهش، فرضیه‌ها به شرح زیر تدوین می‌شود.
۱. بین میزان امید به آینده و بی تفاوتی اجتماعی جوانان رابطه معناداری وجود دارد.
 ۲. بین میزان سرمایه اجتماعی و بی تفاوتی اجتماعی جوانان رابطه معناداری وجود دارد.
 ۳. عوامل جمعیتی (میزان درآمد، تحصیلات، وضعیت تأهل، نوع منزل مسکونی، وضعیت شغلی و محل تولد) بر بی تفاوتی اجتماعی جوانان تأثیر معناداری دارد.

روش تحقیق

روش مطالعه حاضر توصیفی از نوع همبستگی است. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه بود. جامعه آماری جوانان ۲۰ تا ۳۰ ساله شهر کرمانشاه است. براساس آمار سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کرمانشاه، تعداد جوانان ۲۰ تا ۳۰ سال ۲۰۱۷ تا ۲۰۱۷ نفر بودند. براساس جدول نمونه‌گیری لین^۱ با خطای کمتر از ۴ درصد، حجم نمونه محاسبه شد. در این پژوهش روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای به کار گرفته شد با توجه به این که جمعیت مورد مطالعه در این پژوهش همگن نمی‌باشد، به‌ناچار باید ابتدا جامعه آماری تقسیم شود و از درون هر قسمت نمونه‌ای مناسب انتخاب شد. بنابراین، در مطالعه حاضر ابتدا خوشه‌های مختلف در شهر کرمانشاه مشخص شد. سپس، با روش تصادفی ساده نمونه هر خوشه انتخاب شد برای بررسی اعتبار صوری پس از طراحی گویه‌های طیف‌های سرمایه اجتماعی، امید به آینده و بی تفاوتی اجتماعی در اختیار متخصصان قرار گرفت. توافق نظر این افراد درباره سنجش گویه‌های هر طیف، به‌گزینش گویه‌های مناسب برای هر سازه منجر شد. پایایی ابزار پژوهش نیز با محاسبه آلفای کرونباخ بررسی شد. نشان داد آلفای کرونباخ برای سرمایه اجتماعی برابر ۰/۷۳، امید به آینده ۰/۷۵ و بی تفاوتی اجتماعی برابر با ۰/۸۳ به‌دست آمد که همگی در قابل قبول می‌باشند.

1. Lin

تعریف مفاهیم و متغیرها

بی تفاوتی: بی تفاوتی اجتماعی وضعیتی است که افراد آگاهانه از لحاظ نگرشی و رفتاری نسبت به مشارکت‌های نوع‌دوستانه، مسئولیت‌های اجتماعی و دیگر کنش‌های فعال مدنی، بی‌علاقه و بی‌اعتنا می‌شوند. بی تفاوتی اجتماعی با شاخص‌هایی مانند کناره‌گیری مدنی و سهیم‌نشدن در مسائل و موضوعات زندگی اجتماعی، دلسردی، تفکیک عامدانه منافع شخصی از خواسته‌های عمومی و عام‌المنفعه، بی‌اعتنایی نسبت به رخدادهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی تعریف می‌شود (محسنی تبریزی، ۱۳۹۰، ص ۸). بی تفاوتی در پژوهش حاضر با به‌کارگیری ۱۹ گویه در قالب طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت سنجش شد به نحوی که به گزینه کاملاً موافق کد ۵، به گزینه موافق کد ۴، به گزینه بی‌نظر کد ۳، به گزینه کم کد ۲ و به گزینه خیلی کم کد ۱ تعلق گرفت.

امید به آینده: امید به آینده عبارت است از تمایلی که با انتظار وقوع مثبت همراه است و به عبارت دیگر، ارزیابی مثبت از آنچه فرد متمایل است و می‌خواهد که به وقوع بپیوندد (هزارجریبی و آستین‌افشان، ۱۳۸۸، ص ۱۲۲). این متغیر با ۷ گویه در قالب طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت سنجش شد.

سرمایه اجتماعی: پوتنام سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از مفاهیمی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها می‌داند که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک اجتماع می‌شود و در نهایت منافع متقابل آنان را تأمین خواهد کرد (پوتنام، ۱۳۷۷، ص ۲۷). در مطالعه حاضر سرمایه اجتماعی با شش گویه شامل اعتماد به مردم، اعتماد مردم به قول و قرارهای خود میزان اعتماد به عملکرد گروه‌ها، اصناف و ادارات مختلف، میزان اعتماد به همسر و فرزندان، میزان اعتماد به دوستان و همکاران، اعتماد به اقوام و اعتماد به محیط زندگی، احتمال پیداشدن کیف گمشده، اعتماد به فروشنده‌ها و احساس امنیت در کوچه و خیابان سنجش شده است.

یافته‌های پژوهش

جدول ۱ توزیع متغیرهای اصلی پژوهش را برحسب شاخص‌های توصیفی نشان می‌دهد. نتایج

نشان داد میانگین میزان بی تفاوتی اجتماعی جوانان برابر با ۵۱/۶۵ است که در مقایسه با میانگین مورد انتظار (۵۷) پایین تر است. میانگین میزان سرمایه اجتماعی جوانان برابر با ۱۷/۵۲ است که با میانگین مورد انتظار (۱۸) نسبتاً برابر است. میانگین میزان امید به آینده جوانان برابر ۲۰/۱۱ است که در مقایسه با میانگین مورد انتظار (۲۱) نسبتاً پایین است. می توان استنباط کرد میانگین میزان امید به آینده جوانان از میانگین مورد انتظار در حد پایین تری قرار دارند.

جدول ۱. توزیع متغیرهای اصلی برحسب شاخص توصیفی

نام متغیر	میانگین واقعی	میانگین مورد انتظار	کمترین	بیشترین
سرمایه اجتماعی	۱۷/۵۲	۱۸	۶/۰۰	۳۰/۰۰
امید به آینده	۲۰/۱۱	۲۱	۸/۰۰	۳۵/۰۰
بی تفاوتی اجتماعی	۵۱/۶۵	۵۷	۳۳/۰۰	۶۸/۰۰

جدول ۲ ضریب همبستگی بین میزان سرمایه اجتماعی و بی تفاوتی اجتماعی جوانان را نشان می دهد. براساس یافته ها، سرمایه اجتماعی با بی تفاوتی اجتماعی جوانان رابطه معنادار ($r=-۰/۱۳۵$) دارد. به این معنا که با افزایش سرمایه اجتماعی میان جوانان، میزان بی تفاوتی اجتماعی آن ها کاهش خواهد یافت. همچنین، امید به آینده با بی تفاوتی اجتماعی جوانان رابطه معنادار ($r=-۰/۲۶۹$) دارد. به این معنا که با افزایش امید به آینده، میزان بی تفاوتی اجتماعی آن ها کاهش خواهد یافت. نتایج نشان داد متغیر میزان درآمد با بی تفاوتی اجتماعی جوانان به عنوان یک سازه کلی ارتباط معکوس و معنادار ($r=-۰/۱۳۹$) دارد.

جدول ۲. ضریب همبستگی بین میزان سرمایه اجتماعی و بی تفاوتی اجتماعی جوانان

همبستگی	میانگین	انحراف معیار	همبستگی	معناداری
سرمایه اجتماعی	۱۷/۵۲	۴/۲۸	-۰/۱۳۵	۰/۰۱۲
امید به آینده	۲۰/۱۱	۴/۵۱	-۰/۲۶۹	۰/۰۰۰
میزان درآمد	۱۷۹۱۲۴۴/۶۴۸	۹۲۱۲۰۷/۸۰۹۸	-۰/۱۳۹	۰/۰۴۷

جدول ۳ آزمون تفاوت میانگین میزان بی تفاوتی جوانان برحسب ویژگی‌های اقتصادی اجتماعی آن‌ها نشان می‌دهد. نتایج تحلیل واریانس نشان می‌دهد میانگین میزان بی تفاوتی جوانان برای افراد با نوع منزل ویلائی (۵۰/۵۶)، منزل اجاره‌ای (۵۲/۲۳)، منزل آپارتمانی (۵۰/۵۰) و منزل سازمانی (۵۵/۳۶) است. نتایج نشان می‌دهد بین گروه‌های مختلف تفاوت وجود دارد. این تفاوت براساس تحلیل واریانس با مقدار $F= 5,37$ و مقدار معناداری برابر با ۰/۰۰۱ در سطح اطمینان ۰/۹۵ پذیرفته می‌شود.

جدول ۳. آزمون تفاوت میانگین میزان بی تفاوتی جوانان برحسب متغیرهای مختلف

متغیر مستقل	ابعاد	میانگین	انحراف معیار	میزان F	معناداری
نوع منزل مسکونی	ویلائی	۵۰,۵۶۷۶	۶,۹۵۰۰۸	۵,۳۷۷	۰,۰۰۱
	اجاره‌ای	۵۲,۲۳۶۶	۵,۳۰۸۶۸		
	سازمانی	۵۵,۳۶۰۰	۵,۹۹۲۲۲		
	آپارتمانی	۵۰,۵۰۵۰	۶,۵۰۹۴۱		

با توجه به اینکه در تحلیل واریانس، مقدار F معنادار است، باید آزمون‌های تعقیبی برای مشخص کردن تفاوت بین گروه‌ها، به کار گرفته شود. بنابراین، آزمون LSD اجرا شد. نتایج آزمون در جدول ۴ نشان می‌دهد تفاوت میانگین بی تفاوتی اجتماعی معناداری بین افرادی که وضعیت منزل مسکونی آن‌ها رهنی بوده، با کسانی که منزل ویلائی، اجاره‌ای، سازمانی و آپارتمانی است، وجود دارد. نتیجه نشان می‌دهد جوانانی که منزل مسکونی آن‌ها سازمانی است، نسبت به سایر جوانان از میزان بی تفاوتی جوانان بیشتری برخوردارند. از طرفی، افرادی که نوع منزل آن‌ها ویلائی است نسبت به سایر انواع منازل مسکونی، میزان بی تفاوتی آن‌ها پایین تر است. می‌توان استنباط کرد در صورتی که جوان نسبت به محل سکونت خود مالکیت داشته باشد، احساس مسئولیت بیشتر نسبت به آن دارد و از طرفی ارتباط گرم و نزدیک با اطرافیان و همسایگان نیز برایش مهم است؛ اما در بین ساکنان منازل سازمانی، افراد بیشتر تمایل دارند با کسی ارتباط صمیمی و نزدیک برقرار نکنند و بنابراین، نوعی بی تفاوتی بین آن‌ها حاکم می‌شود.

جدول ۴. آزمون تعقیبی LSD برای تحلیل واریانس مقایسه نظرات گروه‌ها پیرامون منزل مسکونی

معناداری	خطای استاندارد	تفاوت میانگین	آزمون LSD	
۰,۰۶۲	۰,۸۹۱۴۷	-۱,۶۶۹۰۷	اجاره‌ای	
۰,۰۰۱	۱,۴۱۸۱۲	-۴,۷۹۲۴۳	سازمانی	ویلائی
۰,۹۴۷	۰,۹۳۸۰۵	۰,۶۲۶۲	آپارتمان	
۰,۰۶۲	۰,۸۹۱۴۷	۱,۶۶۹۰۷	ویلائی	
۰,۰۲۰	۱,۳۳۷۹۴	-۳,۱۲۳۳۶	سازمانی	اجاره‌ای
۰,۰۳۴	۰,۸۱۱۷۶	۱,۷۳۱۶۹	آپارتمانی	
۰,۰۰۱	۱,۴۱۸۱۲	۴,۷۹۲۴۳	ویلائی	
۰,۰۲۰	۱,۳۳۷۹۴	۳,۱۲۳۳۶	اجاره‌ای	سازمانی
۰,۰۰۰	۱,۳۶۹۴۲	۴,۸۵۵۰۵	آپارتمانی	
۰,۹۴۷	۰,۹۳۸۰۵	-۰,۶۲۶۲	ویلائی	
۰,۰۳۴	۰,۸۱۱۷۶	-۱,۷۳۱۶۹	اجاره‌ای	آپارتمان
۰,۰۰۰	۱,۳۶۹۴۲	-۴,۸۵۵۰۵	سازمانی	

آزمون رگرسیون چندگانه

در پژوهش حاضر رگرسیون چندگانه به شیوه گام به گام اجرا شد. در این معادله دو متغیر امید به آینده و میزان سرمایه اجتماعی وارد شدند. آزمون تی نشان داد ضریب بتا برای این دو متغیر در سطح معناداری قرار دارد. اولین متغیری که در این معادله رگرسیونی وارد شد، میزان امید به آینده وارد معادله شد، مقدار تی برای این متغیر برابر با $-۴,۰۹$ و ضریب معناداری برابر با صفر است. میزان ضریب تعیین برابر با $۰,۰۴$ به دست آمد. در گام دوم با وارد شدن میزان سرمایه اجتماعی مقدار تی برابر با $۳,۳۰۱$ و ضریب معناداری برابر با $۰,۰۰۱$ است. در این مرحله میزان ضریب تعیین برابر با $۰,۰۶$ به دست آمد. این دو متغیر روی هم رفته توانستند مقدار $۰,۲۳$ از تغییرات درونی متغیر میزان بی تفاوتی را تبیین کنند.

جدول ۵. تحلیل چندگانه متغیرهای مستقل جهت پیش بینی متغیر میزان بی تفاوتی

مرحله	نام متغیر	B	Beta	t	معناداری	R	R ²
۱	امید به آینده	-۰,۳۸	-۰,۱۹	-۴,۵۵	۰,۰۰۰	۰,۱۹	۰,۰۴
۲	سرمایه اجتماعی	-۰,۰۸	-۰,۱۳	-۳,۰۷	۰,۰۰۲	۰,۲۳	۰,۰۶

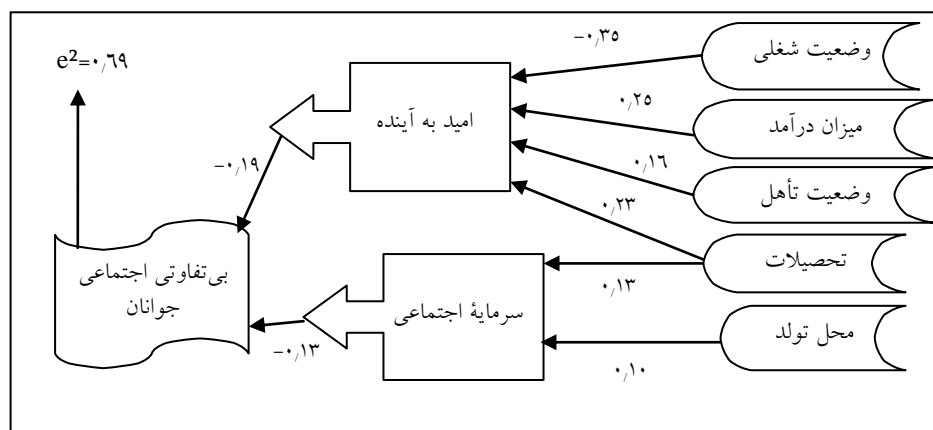
Constant=۶۵,۵۴ F= ۱۵,۱۳ Sig= 0.000

بر این اساس، معادله رگرسیون چندمتغیره در پژوهش حاضر به شرح زیر است:

$$Y = a + bx_1 + bx_2 + \dots + bx_n$$

$$\text{میزان بی تفاوتی} = ۰٫۰۸ - (\text{میزان سرمایه اجتماعی}) + ۰٫۳۸ - (\text{امید به آینده}) + e_i$$

در این پژوهش شش متغیر مستقل مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است که از بین آن‌ها نوع منزل مسکونی و میزان درآمد در تحلیل‌ها تأیید شده‌اند و بقیه به صورت مستقیم با بی تفاوتی ارتباط معنادار نداشتند. از طرفی، احتمال می‌رفت این متغیرهای اسمی مستقل به صورت غیرمستقیم بر متغیر بی تفاوتی تأثیرگذار باشند، بنابراین، وارد معادلات مرکب رگرسیونی هم برای امید به آینده و هم برای سرمایه اجتماعی شدند و مشخص شد تأثیر غیرمستقیم بر بی تفاوتی اجتماعی دارند، که نتایج آن در مدل شکل ۲ بیان شده است. مدل تحلیل مسیر در این پژوهش با رگرسیون چندمتغیری به شیوه مرحله به مرحله برای محاسبه ضرایب مسیر تنظیم شده است که اهمیت و تأثیر نسبی روابط مستقیم و غیرمستقیم متغیرها را ارزیابی کرده و به کشف دیاگرام مسیر نائل آمده است. برای رسم مدل مسیر ضرایب بتای متغیرهایی به کار گرفته شده است که مقدار تی آن‌ها در سطح معناداری قرار دارد. ضریب بتا در این مدل نماینده شدت رابطه بین دو متغیر با ثابت نگه داشتن اثر متغیرهای دیگر موجود در مدل است.



شکل ۲. مدل تحلیل مسیر

میزان ضریب تعیین در این تحلیل ۰/۲۳ است. برای نشان دادن مقدار واریانس تبیین نشده باید مقدار خطا را به توان دو برسانیم ($e^2=0/592$). بنابراین، می توان گفت ۰/۵۹ واریانس را مدل تبیین نکرده است و ۰/۲۳ آن به وسیله متغیرهای مستقل پژوهش تبیین شده است که این برآزش خوبی از مدل را نشان می دهد. در تحلیل مسیر اثر کل هر متغیر از دو نوع اثر به وجود می آید: اثر مستقیم و اثر غیرمستقیم. برای محاسبه آثار غیرمستقیم متغیرهای مستقل، ضرایب مسیر همه متغیرهای یک مسیر منتهی به متغیر وابسته در هم ضرب می شوند و اگر این ضرایب با ضرایب مستقیم هر یک از متغیرها جمع شود، حاصل جمع، کل تأثیر متغیر مستقل مورد نظر بر متغیر وابسته خواهد بود.

مهم ترین نتایج محاسبات تحلیل مسیر به شرح ذیل است:

همان طور که در مدل مسیر مشاهده می شود، امید به آینده با ضریب مسیر ۰/۱۹- از میان متغیرهای تعریف شده به عنوان قوی ترین متغیر تأثیرگذار بر میزان بی تفاوتی اجتماعی جوانان در این مدل شناخته شده است که تأثیر آن بر میزان بی تفاوتی اجتماعی جوانان مستقیم است. در مرتبه بعدی سرمایه اجتماعی افراد است که خود متأثر از بسیاری از متغیرهای دیگر بوده ولی خودش به طور مستقیم اثر شایان توجهی بر میزان بی تفاوتی اجتماعی جوانان داشته است. بنابراین، متغیر امید به آینده افراد با ضریب اثری برابر با ۰/۱۳-، دومین متغیر بوده که اثر مستقیم در میزان بی تفاوتی اجتماعی جوانان داشته است. از طرفی، متغیرهای شغل، درآمد، وضعیت تأهل، تحصیلات و محل تولد نیز به صورت غیرمستقیم بر متغیر وابسته تأثیر دارند. برای تعیین آثار غیرمستقیم یا مسیر غیرمستقیم، ضرایبی را که در امتداد آن مسیر قرار گرفته اند در هم ضرب می کنیم. در زیر آثار غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر میزان بی تفاوتی اجتماعی جوانان محاسبه شده است.

$$0/07 = \{(-0/35) \times (-0/19)\} = \text{وضعیت شغلی}$$

$$-0/05 = \{(0/25) \times (-0/19)\} = \text{میزان درآمد}$$

$$-0/054 = (0/03) + (-0/024) = (0/13) \times (0/23) + (-0/19) \times (0/13) = \text{میزان تحصیلات}$$

$$-0/03 = (-0/19) \times (0/16) = \text{وضعیت تأهل}$$

$$0/13 = (0/13) \times (0/10) = \text{محل تولد}$$

بحث و نتیجه گیری

مسائل اجتماعی جوانان ایران هم گام با پدیده جهانی شدن و رخداد‌های اجتماعی و اقتصادی دستخوش دگرگونی شده است. جوانان امروز از لحاظ احساس، اعتقادات، نگرش‌ها و رفتارها با نسل‌های دیگر متفاوت‌اند. بنابراین، مسائل آنان هم در اثر تحولات پدیدآمده متفاوت خواهد بود. سرمایه اجتماعی به جای توجه به منافع فرد به تعهدات افراد نسبت به دیگران و دیگر خواهی توجه دارد که این عامل باعث می‌شود افراد نسبت به دیگران احساس بی تفاوتی نکنند و برعکس کاهش سرمایه اجتماعی اعتماد و روابط اجتماعی میان افراد جامعه باعث زیاد شدن بی تفاوتی اجتماعی بین افراد جامعه می‌شود. سرمایه اجتماعی (اعتماد، مشارکت و انسجام اجتماعی) می‌تواند به عنوان منبعی ارزشمند مانند سایر اشکال سرمایه محسوب شود؛ اگر سرمایه اجتماعی کافی نباشد، باعث بی تفاوتی اجتماعی می‌شود، بنابراین، پیشنهاد می‌شود با اعمال اهرم‌های تشویقی یا هر عامل دیگری بین جوانان و افراد جامعه آن‌ها را به سمت مشارکت‌های اجتماعی سوق داد تا از این طریق، با ایجاد حلقه‌ها و پیوندهای دوستی، سرمایه‌های اجتماعی آنان افزایش یابد که این عامل باعث تقویت کاهش بی تفاوتی اجتماعی می‌شود.

نتایج نشان می‌دهد متغیر میزان سرمایه اجتماعی با بی تفاوتی اجتماعی جوانان به عنوان یک سازه کلی ارتباط معکوس و معناداری دارد. می‌توان گفت هرچه سرمایه اجتماعی در بین جوانان بیشتر باشد، به تعبیری، به سرمایه اجتماعی میان آن‌ها ارج داده شود، آسیب‌های اجتماعی کاهش خواهد یافت و به طور طبیعی همبستگی افراد افزایش و بی تفاوتی کاهش خواهد یافت. این نتیجه با نتایج پژوهش مجیدی (۱۳۹۰)، محسنی تبریزی (۱۳۹۰)، و عنبری و غلامیان (۱۳۹۵) همسو است. در راستای تبیین آثار سرمایه اجتماعی بر کاهش بی تفاوتی می‌توان با استناد به دیدگاه دورکیم گفت ارزش‌ها، هنجارها و پیوستگی‌های افراد جامعه، سازنده نظم اجتماع، یعنی وفاق اجتماعی، اعتماد و اطمینان متقابل است. از طرفی، بنا بر تعبیر بوردیو، هر فرد برحسب میزان سرمایه کلی و سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی مانند تحصیلات، مهارت‌های فکری و اعتماد اجتماعی، در آن پایگاهی می‌یابد و کنار افراد مشابه از لحاظ سرمایه کلی قرار می‌گیرد. افراد واجد

پایگاه مشابه و تعاملات مشترک، از عادت‌واره و الگوی کنشی به نسبت همسو و هماهنگی برخوردارند. به لحاظ نظری، سرمایه اجتماعی بیشتر روی شبکه روابط، اعتماد و مشارکت در اجتماع و همکاری‌های گروهی در قالب انجمن‌ها و تشکیلات مدنی تأکید می‌کند. سرمایه اجتماعی دستاورد شبکه‌های اجتماعی افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها در برقراری ارتباطات سازنده و مثبت اجتماعی است. وجود این شبکه‌های اغلب غیررسمی به تجهیز و توانمندی سطح گسترده‌ای از تماس‌های اجتماعی - شخصی برای عملکرد بهتر زندگی سیاسی - اجتماعی منجر می‌شود (کلمن، ۱۳۷۷)، و از این رو، می‌توان با مطالعه آن به کیفیت و چگونگی ارتباطات اجتماعی در جامعه پی برد. در جامعه‌ای که سرمایه اجتماعی از سطح پایینی برخوردار است، دلسردی و بی‌اعتنایی هر یک از اعضا یا گروه‌های جامعه، بر اثر بیگانگی اجتماعی، احساس اثربخش نبودن، نارضایتی و بی‌اعتمادی نسبت به دیگران باعث ایجاد شکنندگی در ساختار اجتماعی خواهد شد.

بنابراین، سرمایه اجتماعی می‌تواند تأثیر بازدارندگی بر بی‌تفاوتی اجتماعی داشته باشد. در واقع، در بسیاری تحقیقات ثابت شده است که سرمایه اجتماعی آثار مثبتی بر اجتماع دارد و از بسیاری از مسائل اجتماعی پیشگیری می‌کند. براساس نتایج پژوهش، همخوان با دیگر پژوهش‌ها حاکی از تأثیر مثبت سرمایه اجتماعی در تقویت و تحکیم ارتباطات اجتماعی است.

براساس یافته‌های به دست آمده، امید به آینده با بی‌تفاوتی اجتماعی جوانان رابطه معناداری دارد ($r = -.269$). با افزایش امید به آینده، میزان بی‌تفاوتی اجتماعی آن‌ها کاهش خواهد یافت. نتایج تحقیقات متعدد نشان می‌دهد امید به آینده باعث گسترش افق دید و روشنگری می‌شود. از طرفی، جوانان مهم‌ترین عامل در توسعه هر جامعه به شمار می‌روند، با توجه به اینکه افراد جوان در آینده جزء برنامه‌ریزان و مدیران می‌باشند و آینده جامعه در دست آن‌ها است و به‌عنوان قشری فعال در جامعه محسوب می‌شوند، میزان امیدواری و ناامیدی آن‌ها برای پیشرفت و توسعه جامعه بسیار مهم است. فقدان امید به آینده موجب مشکلاتی در جامعه می‌شود؛ از جمله این مشکلات بی‌تفاوتی اجتماعی نسبت به دیگران و هموعان است. بر این اساس، موضوع امید به آینده و لزوم افزایش آن به‌ویژه در بین جوانان یکی از موضوعات مهم است.

امید و امیدواری جایگاه خاصی در سلامتی اجتماعی و به تبع آن، پیشرفت فرد و جامعه دارد؛

که نقش امید در پیشبرد توسعه جامعه به اهداف بلندمدت و آینده نگر بسیار بااهمیت است. امید یک حال روحی و روانی و برانگیزاننده انسان به کار و فعالیت است، به طور طبیعی، انگیزه بشر در کارهای اختیاری با امید به نفع و به زیان ترس است. امید که از معرفت و شناخت نسبت به مبدأ و معاد حاصل می شود و همه تلاش های مفید و پرثمر انسانی و نیز منشأ اصلاح امور در جامعه و رسیدن شخص به سعادت ابدی است.

براساس یافته های به دست آمده، میزان درآمد با بی تفاوتی اجتماعی جوانان رابطه معنادار دارد ($r=-.139$). نتایج نشان داد متغیر میزان درآمد با بی تفاوتی اجتماعی جوانان به عنوان سازه ای کلی ارتباط معکوس و معناداری دارد. به این معنا که با افزایش یا کاهش درآمد، میزان بی تفاوتی اجتماعی کاهش، یا افزایش می یابد که با نتیجه پژوهش حاضر همسو است. نتایج تحلیل واریانس نشان داد میانگین میزان بی تفاوتی جوانان برای افراد با نوع منزل مختلف باهم تفاوت وجود دارد. نتایج این فرضیه با نتیجه مطالعه مجیدی (۱۳۹۰) که معتقد است نوع منزل مسکونی بر بی تفاوتی جوانان تأثیر ندارد، همسو است.

پیشنهادها

یکی از راهکارهای عمده برای مسئولان و برنامه ریزان شهری این است که زمینه مشارکت های مردمی به ویژه قشر جوان در حوزه های مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مهیا کنند. این رویه به آن ها نوعی اعتماد به نفس و حمایت روانی اجتماعی برای آنان فراهم کرده است و به تدریج زمینه افزایش و تقویت میزان سرمایه اجتماعی در بین آن ها به وجود می آید. برای ارتقای همدلی اجتماعی در جامعه باید هم دولت و هم مردم وارد عرصه شوند. روحانیون، صاحب نظران، معتمدین، ورزشکاران، استادان و... همه می توانند مؤثر باشند. از طرفی، هرچه اعتماد اجتماعی در بین جوانان بیشتر باشد، امید به آینده در آن ها افزایش می یابد، ما باید زمینه را برای بسترسازی اعتماد در بین جوانان فراهم کنیم که به تبع آن امید به آینده افزایش می یابد. مسئولان جامعه باید با برنامه ریزی پایه های اعتماد اجتماعی، روابط اجتماعی بین جوانان را تقویت کنند که این امر باعث بالارفتن امید به آینده و به تبع آن باعث کاهش بی تفاوتی اجتماعی در جامعه می شود.

محدودیت‌های پژوهش

شاغل بودن محقق، گویه‌های زیاد برای هر یک از متغیرها، همکاری نکردن بسیاری از پاسخگویان در تکمیل کردن پرسشنامه‌ها، محافظه‌کاری و محتاط‌کاری بر افکار بیشتر افراد حتی افراد تحصیل کرده، به چشم می‌خورد، از طرفی، تفکر سنتی و قبیله‌ای حاکم بر جامعه، جمع‌آوری داده‌ها را با مشکل مواجه کرد. از دیگر محدودیت‌های پژوهش حاضر کم‌اهمیت‌شمردن پژوهش توسط بعضی از پاسخگویان و سلیقه‌ای برخورد کردن با بعضی از موضوعات بود که می‌توانست تا حد امکان به غنای کار بیفزاید. وضعیت روحی روانی آزمودنی‌ها از دیگر محدودیت‌های پژوهش است. ناهماهنگی‌های شمار پرسش‌های هر بعد از پرسشنامه به خصوص در بی‌تفاوتی اجتماعی، به این صورت که بسیاری از پرسش‌ها حذف شدند؛ از دیگر محدودیت‌های مورد بحث در پژوهش حاضر بود.

منابع و مأخذ

۱. ازکیا، مصطفی (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی توسعه*. تهران: کلمه.
۲. آرون، ریمون (۱۳۸۲). *مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی*. ترجمه باقر پرهام، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۳. پوتنام، رابرت (۱۳۷۷). *دموکراسی و سنت‌های مدنی*. ترجمه محمدتقی دلفروز، چاپ اول، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و وزارت کشور.
۴. چلبی، مسعود (۱۳۸۳). *چهارچوب مفهومی پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۵. دال، رابرت (۱۳۶۴). *تجزیه و تحلیل سیاست*. ترجمه حسین ظفریان. تهران.
۶. زارعی‌وند، لیلا (۱۳۹۶). *بررسی میزان بی‌تفاوتی اجتماعی و عوامل اجتماعی مرتبط با آن؛ مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه حکیم سبزواری*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه حکیم سبزواری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
۷. سروش، مریم، و عباسی، خیام (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی جوانان (مطالعه تطبیقی جامعه‌شناسی - روان‌شناختی دوره جوانی)*. شوشتر: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر.
۸. شیخ، زهرا (۱۳۹۷). *اعتماد اجتماعی و فرهنگ اعتماد*. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
۹. صفاریان، محسن (۱۳۹۷). *عوامل مؤثر بر بی‌تفاوتی اجتماعی جوانان*. رساله دکتری تخصصی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال.
۱۰. عبداللهی، محمد (۱۳۸۳). *زنان و نهادهای مدنی مسائل، موانع و راهبردهای مشارکت مدنی زنان در ایران*. مجله جامعه‌شناسی ایران. دوره ۵، شماره ۲، صفحات ۹۹-۶۲.
۱۱. علاالدینی، زهره (۱۳۸۷). *بررسی امید به درمانی گروهی بر دانشجویان دانشگاه اصفهان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.

۱۲. علمدار، فاطمه‌السادات، جوادی یگانه، محمدرضا، و رحمانی، جبار (۱۳۹۷). فرایند خلق بی‌تفاوتی اجتماعی در بافت تعاملی ایرانیان. *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، دوره ۹، شماره ۱، صفحات ۱۹۰-۱۶۵.
۱۳. عنبری، موسی، و غلامیان، سارا (۱۳۹۵). تبیین جامعه‌شناختی عوامل مرتبط با بی‌تفاوتی اجتماعی. *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، دوره ۷، شماره ۲، صفحات ۱۵۹-۱۳۳.
۱۴. غفاری، غلامرضا، و نیازی، محسن (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی مشارکت*. تهران: نشر نزدیک.
۱۵. قاضی‌زاده، هورامان، و کیانپور، مسعود (۱۳۹۳). بررسی میزان بی‌تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان (مورد مطالعه: دانشگاه اصفهان). *پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی*، سال ۴، شماره ۱، صفحات ۷۸-۵۹.
۱۶. کلانتری، صمد، ادیبی، مهدی، ربانی خوراسگانی، رسول، و احمدی، سیروس (۱۳۸۶). بررسی بی‌تفاوتی و نوع‌دوستی در جامعه ایران و عوامل مؤثر بر آن. *دوماهنامه علمی پژوهشی دانشگاه شاهد*، سال ۱۴، دوره جدید، شماره ۲۲، صفحات ۳۶-۲۷.
۱۷. کلمن، جیمز (۱۳۷۷). *بنیادهای نظریه اجتماعی*. ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
۱۸. گنز، هربرت. جی. (۱۳۸۵). *دموکراسی و خبر*. ترجمه علیرضا دهقان، تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۱۹. مجیدی، امیر (۱۳۹۰). *بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مرتبط با بی‌تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه کردستان و دانشگاه پیام نور مرکز سنندج در سال ۱۳۹۰*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان تهران، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی.
۲۰. محسنی تبریزی، علی‌رضا (۱۳۸۱). *آسیب‌شناسی بیگانگی اجتماعی - فرهنگی بررسی انزوای ارزشی در دانشگاه‌های دولتی تهران. فصل‌نامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، شماره ۱۸۲، صفحات ۱۱۹-۱۸۲.
۲۱. محسنی تبریزی، علیرضا، و صداقتی‌فرد، مجتبی (۱۳۹۰). بی‌تفاوتی اجتماعی در ایران (مورد پژوهش: شهروندان تهرانی). *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال ۲۲، پیاپی ۴۳، شماره ۳، صفحات ۱-۲۲.

۲۲. مسعودنیا، ابراهیم (۱۳۸۰). تبیین جامعه‌شناختی بی‌تفاوتی شهروندان در حیات اجتماعی و سیاسی. *اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، شماره‌های ۱۶۷ و ۱۶۸، صفحات ۱۶۵ - ۱۵۲.
۲۳. میرزاپوری، جابر (۱۳۹۵). *بی‌تفاوتی اجتماعی در ایران*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
۲۴. نادری عباس‌آبادی، حمدالله (۱۳۸۳). *سنجش میزان بی‌تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان کارشناسی دانشگاه تبریز و بررسی عوامل مرتبط با آن*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، گروه علوم اجتماعی.
۲۵. نبوی، عبدالحسین، و امیرشیرزاد، نرگس (۱۳۹۳). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و بی‌تفاوتی اجتماعی (مورد پژوهش: شهروندان دزفولی). *دومین کنفرانس ملی جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی*، تهران: مؤسسه اطلاع‌رسانی نارکیش، صفحات ۱۹-۱.
۲۶. هزارجریبی، جعفر، و صفری شالی، رضا (۱۳۸۸). بررسی رضایت از زندگی و جایگاه احساس امنیت در آن (مطالعه در بین شهروندان تهرانی). *فصل‌نامه علمی - پژوهشی انتظام اجتماعی*، سال ۱، شماره ۳، صفحات ۲۸-۷.
۲۷. هورتولانوس، رلوف، مشیلز، انجا، و میوسن، لودوین (۱۳۹۴). *انزوای اجتماعی در جامعه مدرن*. ترجمه لیلا فلاحی سرابی و صادق پیوسته، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
28. Bogen, R., & Marlowe, J. (2015). Asylum discourse in New Zealand: moral panic and a culture of indifference. *Australian Association of Social Workers*, 1(70), 1-12.
29. Cohen, S. (1972). *Folk devils and moral panics*. London, UK: MacGibbon & Kee.
30. Goode, E. & Ben-Yehuda, N. (1994). Moral panics: culture, politics, and social construction. *Annual Review of Sociology*, 20, 149-171.
31. Jessica, M. F., & Lindsay C. K. (2018). Social isolation and loneliness in later life: A parallel convergent mixed methods case study of older adults and their residential contexts in the Minneapolis metropolitan area, USA, *Social Science & Medicine*, 208(5), 25-33.
32. Lin, N. (1974). *Foundation of social research*. New York: MC Graw-Hill.
33. Lipset, S. M. (1963). *Political man the social bases of politics*. New York: Anchor Books.
34. Robinson, J. S., Joel, S., & Plaks, J. E. (2015). Empathy for the group versus indifference toward the victim: Effects of anxious avoidant attachment on moral judgment. *Journal of Experimental Social Psychology*, 56(2), 139-152.
35. Rubin, M., Badea, C., Condie, J., Mahfud, Y., & Morrison, T., Peker, M. (2017).

- Individual differences in collectivism predict city identification and city evaluation in Australian, French, and Turkish cities. *Environmental Psychology*, 50(5), 9-16.
36. Sarason, I. G. (1988). Social support, personality and health. In M. Janniss (Ed.). *Individual differences, stress and health psychology*, Springer-Verlag.
37. Seligman, M. E. P. (1972). Learned helplessness. *Annual Review of Medicine*, 23(11), 407-412.